

# نجم باختر

۱۳۲۹

۷ جمادی الثانی ۱۳۲۹

شماره پنجم

فهرست سندها

- |   |   |
|---|---|
| ۱ | رفیق مبارک حضرت مندیب اروا خدا                        |
| ۲ | قصیده نوح حضرت مشا را به در تهنیت بکث حضرت عبدالمهاجر |
| ۳ | مقاله ثانی بقم حضرت دکتر فرید در تاریخ شهر سنز نسکو   |
| ۴ | عکس جناب ستر توژنتون جیس                              |
| ۵ | اول راپورت ریضی از تحت طهران                          |
| ۶ | اعداد جناب کتاب الواح علمی حضرت عبدالمهاجر            |
| ۷ | کتاب از همدان و باب تأسیس مدرسه تأیید                 |
| ۸ | بب زسیدن نجم باختر بهشته کین                          |

Persian Editorial Office: NAJME BAKHTAR,  
1800 Belmont Road, Washington, D. C., U. S. A.

صفحه اول  
جلد دوم  
شماره پنجم  
قیمت پانزده  
۵ جون ۱۹۱۱

# نجم پارس

۱۳۲۹

Vol 2  
No 5  
سالی دوازدهم  
ماه نور ۶۸

این مجله بر حسب تاریخ باستانی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل علمی و فلسفی بشر و وحدت او این و ترقی است  
عصر دانش و علوم و فنون این قرن جدید و تربیت اطفال و پیشرفت امر حرفت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقایق این دین مومنی  
خواهد نوشت و مقالات سفید که موافق سبک اداره است قبول و نشر خواهد گردید

در این ایام رفته مبارکی و منظور نهی از طرف آنای ادیب درین باب  
 کستان شیراز اداره پنجم اختر رسید و هر دو را محض قرانت  
 باران در این صفحات درج نمایم :-  
 "یا که ایت منصور پادشاه رسید نو بدین ایش است بهر و  
 عزیز بر غم برادران حسود ز قرق چاه بر آمد باوج ماه رسید  
 کجاست صوفی دجال شکل گدیش بگو بسوز که همدی دین پیوست  
 اعظم شایسته که بسب بر او شت انداج و قلب اجبای شرق  
 و غیب است انگه یوسف مسر الهی حضرت عید الهیاء از قید  
 سلطان ظلم غنود و گدا خوان محض و مستخلص و در خط ماه  
 بر سر رخت در و جالس در عرض شکست و اندر مستوی و انالی سحر  
 که فریاد بچشم یافت سماوی علم در خان بنده و فریب بهلاکت بودند از  
 نتایج نسیص معانی در شگفت بحساب علوم حکم لذل صمدانی بجای  
 ابدی فائز فرمون و در جمع و فایق میل و نهار چون بران بهار امطار  
 و سلسال معانی در حقائق از سماء سان و کباب قدم دستان ان ایلی سخن  
 اعظم سده الهی بار ارضی قلب ایل شرق و غرب انقضه بشود است  
 من فی الوجود و قوای اهل غیب و شهود از آزادی بر اسم صمد و شکر این  
 کبری دخت ما شبیه لها عاجز و نایز به بحر خویش تو بر اعترافم بر  
 این مقام بگذریم و به بزرگ و نیت و رود مسعود عید اعظم رضوان بر  
 بعث و اثر اوق و تجلی شمس طلعت جهن بر من فی اما مکان است بر اسم  
 و برادران و خواهران عزیز محترم روحانی خود را برود این عید بزرگ بهاء  
 و جشن اعظم فلکون نیت و تبریک گویم و با پرهای محبت و داد امر  
 شوق و انجذاب در بهوانی روح طیران نمون از ممالک شمره قبه  
 به خاطر لذت و بجا مع نیت ان ادر اح بحر و حقائق صیافه نیره پرده  
 نمایم از عذبات معنوی شان در عام روحانیت مکتوب شوم دار  
 نعت روح بخشان در مقام نورانیت متذکریم چه که کل به علم  
 ایستین میدانیم و به عین ایستین می نیم که برادران و خواهران عزیز  
 بهتر و خیر و کمال بر اسم این عید اعظم و وظایف این جشن بزرگ  
 بهائی قیام و اقدام میفرمایند محافل غلبه و کیم کیم و دست معقد نمایند  
 و در کمال حریت و نداری کوس شادی میگویند و گلبانگش یا  
 بهادان بهی نعلت شیر میسازند و هیچ قسم مانع در ادعی ندارند  
 بجهتین بدین با کمال عقل و نبض دین مواظبتند که فتوای قتل  
 و بزرگان نفوس را قطع قطعه نموند با شش زنده و نه الاط و داد باس  
 و در اذل مریانند که نور ادمت بتاریخ و تاملان گشود بزرگان  
 و اسوال از اخراب و فارت نمایند و این عباد باید در ایران در کمال  
 ملاحظه و حکمت محافل عید را نخواهند متذکر نمایم چه که روح بسته  
 و قوای خیره اعظم و بیدار در جب ارجح طبقات خلق در غایت قوت  
 وجود و روشای ظلم غلبه و جمع مسائل در قطع و قطع این حرب  
 منظم میگویند و یکشنبه و این بر اجات صدر دار این بر هم نشود  
 ایام باشد که حضرت بهاء الله با شرف شمس جمال و غنود کله مبارک  
 ما و شمارا با کمال بیانت و بیگانهی روح اخوت و یگانگی منوشت  
 فرود و ایل شرق و غرب را که در هیچ عهد و قرنی با هم ارتباط نداشتند  
 ارتباط و خنط فرود و بنین بین میدانم که این است ان ظهور کن  
 است آنچه که تمام روی زمین را قطع و احد وقت و احد شود  
 چنانچه در کتب مقدسه مطهر قبله اش است نمون اند و شاد است  
 دان اند در کتاب یوشیل فصل ۱۰ آیه ۲۸ میفرماید روح خود را  
 بر تالی بشود خواهم بخت بران و دختران شما بتوت خوا بندگی کن  
 سالان شما خواهد باشند و جوانان شما رویا که نیت خواهد کرد و نیز  
 در این ایام روح خود را بر بندگان و کنیزگان خواهم بخت و در  
 فصل ۳ آیه ۱۶ میفرماید خداوند که همون خودش خواهد نمود  
 و او را خود را از او شلیم بند خواهد کرد و آسمانها و زمین را بخش  
 خواهد نمود و خواهد گردید (تا خداوند از برای قوم خود نوحی و برای بنی اسرائیل نوحی  
 خواهد بود پس خواهید داشت منته خداوند خدای شمایم در کون  
 مقدس همون ساکن بیابشم  
 این شب را است مکتوبی و اخبار الهامی طابق انجیل با نوحی در باب

این ظهور اعظم و بنیاد عظیم صادق است در ظهور حضرت مسیح و حضرت  
 محمد ص این اخبار بوقوع نیویست که روح خدا که بارت از روح القدس  
 است بر تمام بشر ریخته شود و جمیع خلق بروح نبوت معوش شوند  
 حتی پیران الهی و کزبان و دختران نبوت نمایند و با اینکه خداوند در کس  
 صیون ساکن شود پس صد هزار شکر حال قدم و اسم اعظم را که  
 عدای کتب متفکر انبیا سلف بظهور مبارکش کامل گردید  
 و ظهور ربانجه با شراق شمس جانش تحقق یافت پس فرخنده  
 ما و شما که هنوز اغلب خلق در خواب غفلتند تا بم جان پرور ظهور  
 بیدارمان نمود و در ایام ضیق امر مبارک تصدیق نمودم خانجیه  
 حضرت مسیح در انجیل من نویسد این قول است که بیفرماید از در تنگ  
 داخل شوید بجهت آنکه فرایح است آن در و وسیع است آن طریق  
 که نموده ای بحدت باشد و داخل شوندگان آن بسیارند زیرا  
 که تنگ است آن در و صعب است آن راه که بزرگ گمانی است  
 و یا بندگان آن کند

الشعار آبدار در آینه است حضرت  
 عبدالبهاء به نظر سحر :

مژده که خورشید عهد عالم اشراق کرد مشعل برافراشت از جلو برافان کرد  
 رخصت ملامی بدیع بذل تحبش کرد زین اعظم سفر بسکلی شایسته کرد  
 بر سف کفان روح معوشد بسیار  
 شکوفه شان معرکه که چرا کنند خود را پیش خلق هر چه رسوا کنند  
 بگویند شکرش ذکر حق اضا کنند منظر آلا شوند دوری از لا کنند  
 زینش وجودش شوند در در جهان سبکبار  
 رقص کنند شهر هر که بر لب اندرون است دیده یعقوب ملک غنچه روشن است  
 زبوی پراهنش جهان جان سگ است گمشده ای همه پرازن گلی در سگ است  
 که دید اندر جهان بفضل دمی نوبهار  
 باید بیخیالی نود سوسی طور وجود تنها از بر شام هر که فرد  
 بدفع فرعون جهل بجهت قدرت گشود عصای کلشن است تو ای که  
 حال او نام خلق ز رهوشن تا رمار  
 شاه بزم است طلعت زیبا نمود لذنی اعلا امر بجزت از عکا نمود  
 زاریش عکا عبور زدشت در بانود هیچ آسام کجور و صحر نمود  
 بکوه و صحر نمود ز دست با فرار  
 آه که از ما نندید بجز خفا و بستم ز بعد پنجاه سال جنس سری اعظم  
 چه خدمت می شایگان نند از این خاتم خودی خدمت نهاد بران ز عکا قدم

شعرت ابرحق است که استوار  
 بس ان شاد و پنج شست جهان بین حکم عبد اغریز بسجن عکا کلین  
 که بزلت عزیز خود را بر او بدین گردید عبد البهید صاحب تاج کلین  
 در ستم و ظلم گشت پروان با بکار  
 گذشت چون بسوزن سال که بر شید بسجن عکا نمود صعودت محمد  
 ز بعد چندی رسید حکمی در یوم عید بقصد بندی تخت ز نزد عبد البهید  
 که جس عبد البهید است همیشه در این حصار  
 حید از بعد انزول در ستم پیش کرد سخن این سخن را بشیر از پیش کرد  
 روان بویگا دو بار شست پیش کرد قلب را منلی ز خوف و شورش کرد  
 تا که گرفتار گشت بقدر برودگار  
 در ستم شست ز نزد امزدین بدیع خلعت خیره یافت سکر فکری  
 ز نقد بندی خلد گشت جمال بدیع کردید عبد البهید خلع حکم جمیع  
 یافت جوانی عمل گشت بدلت چهار  
 قلعه عکا که سر بر آسمان ساد بود الا ان حق در این ستم خرابش نمود  
 ز این جوانی چه قدر عمار عکا فرود بر آنچه حق گفته بود شست ظاهر  
 چه زود مشهور گشت و در خداوندگار پیش  
 چراغ خورشیدی ز یاد گرد خوش محیط اعظم رخاکی افتاد از موج  
 آب بر آتش زود ز بند ز جوش در شب از زمین بر روی آمد بوجوش

ز رسم آید گوش که حق بود باید در  
 دیگر راهی افق شهر حقیقت امید برن او نام خلق بر تو قدرت دید  
 بزم است بکار جهانی نوشیدیم همگیل میناق راز ماسوی برگزید  
 کرد با و اعتماد داد با و اختیار بود  
 اورا منصوص کرده مالک غیب شهود مرجع مخصوص کرد برای منلی  
 بشان نام خورشیدش منقش و جود ز جود او مستفیض وجود اهل سجود  
 تمام من فی الوجود با و کنند انوار  
 لطیفه خال ددل خیر کافانون مقدس از شب و شل منزله از خد چون  
 نامه او ذوق خیم خانه او ذوق فنون رایت نقض اتفاق زایت او سرخون  
 رحمت او بی عدد رحمت او بی شمار  
 فاست لود شجر طلعت او برضا بنمرد لوب تکلمش در با  
 خیمایش روح بخش خورشید رخ زلفت او جاشفا محبت او جانفزا  
 رحمت او جان ذراقت او جان شکار  
 کاسراضام شهرت قدر علی البهیت مثبت توحید حق وحدت عبد البهید  
 ز چشمش اشان نیت زوار یار  
 اوست که اولیست یا همه اولیم ز رحمت او نیت یا همه اولیم

برائش اوقدم نه میون ایم

در همه اوقات مگر بفر خود بودیم

نخل بریزد رویه شمسار

حضرت عبد الهادی است چنین

جیب برینا طیب هر دو

فیل او سر فرزند ایل او چسند

بسیار بر رویان یکیش از کشت

گر کشدش تیغ یا یکشندش بدار

بگو محط بقاست عهد جمال قدم

هر که نشوید از او بود روزی عدم

کاش که نهان بود یکشستی قدم

تا نگیرد نقض عهد ناستاید ضمن

تا بنماید غرور ناستاید بنار

خادم در بار حق حضرت عبد الهادی

ناشر آثار حق حضرت عبد الهادی

حامل امراد حق حضرت عبد الهادی

تابع گفتار حق حضرت عبد الهادی

قائم بر خدمت است دوره شبان بنار

ایمه ذائق تو برد ز دل قرار و یکسب

بود که روزی شود امر القایست

تا که بر خیمت بار دگر ای صیب

شام دگر چون هزاران کد خلد

تا که کند خیمت شام دگر چون هزار

مقاله ثانیه علم طباقی دکتر زید در باب شهر سنندج که با دارت خیم با خرد است و ما عبادت درج بنمایم :-

در شان سابق تخم با خرد مقدمه بطور اختصار از مسافت و مسافت در کالیفرنیا اظهار نمود و شرح محافل روحانی و مجالس علم میرا بدین مقاله حواله کرد و امروز ما که از مدیر تخم با خرد رسید مرقوم نمودیم که از اوضاع مدینت و حکومت و اوصاف سیاست و کسالت و ادب و ادبیات و مدارس و مریضی آن و سایر بقیه حاجات نیز قدری نوشتیم لهذا در حق اینست که هر مقاله را محصور با اوصاف بیشتر نماید درین شهر معلومات و نظریات خود را در مقاله بنمایند از این رو ظهور کرده است کالیفرنیا که میوسوم به سنندج است با اوصاف ذیل مورد سواد این علم معظم اندر معروض دست امریک و شمال ایالت کالیفرنیا کناره دریایی محیط پانسیفیک واقع است نظر مروج جغرافی و بعد از آن ای بوری ژاپان دولت آنرا در حق همین در اینجا ساخته و بناوی کرد و طرفین خلیج را مستحکم نمود و چندین کشتی جنگی دائم در مقابل شهر محافظ و همسایان قرار داد است

روابط تجاری آنرا درونی با ایالت چین و ژاپون و جزایر فیلیپین بواسطه این اسکله همه است و این شهر بزرگ بر سطح جبال سیوسا قرار گرفته است و با وجود ارتفاع بعضی محلات و بندگی بیس جبالها تمام راه ما ترا موادی الکترونیک کار میکند ولی در میان این راه این نوع موادی با شهرهای دیگر فرق است در اینجا نظر بر ایالت

باصطلاح مکانیکی ترا موادی بجزین استعمال نمایند

بسیار از هر جهت خوشمنظر است

بسیار از هر جهت بخت معادن طلا و نقره که در نقاط گوناگون

شماره ایالی سانفریسکو ۴۲۵۰۰۰ نفس است از قرار سر شماری

نوع سلسل قبل از هر شمس وقت و منجی غلث بحیره ساکن در

چندین هزار نفر چینی و چایانی از تجار و سایر طبقات یافت میشود

و امریکاییها کمال رنجش را از حضرت دارند بلکه از مرتقل و زیرکی

چایانیان و از دیادقوای ببری و بوری چایان خوفناک هستند

در سنندج چایان در نزدیکت زمان دولت تعادل را با امریک

در از کتد و فتوحات غریب جوید و در این موضوع انالی کلیفورینا

سکونت در یکت گفتگو هستند دولت امریکت یکی از ضرب

خانه دو گانه خویش را نظر بوجه معادن طلیدی این ایالت در اینجا

ساخته است و اما مراتب ادبی و معارف این شهر بسیار

نیست که صاحب دو یونیورسیتی دار معلوم بزرگ است یکی

یونیورسیتی کالیفورینا و ثانی معروف با نام بانکی یونیورسیتی

میلان استندو چون نور) هر کدام عبارت از زبان لژن عبارت

است پانصد پروفسور و علم دار و چندین هزار از طبیب

و شگردان تحصیل من حیثه ایات در اعظم میلان استندو

یونیورسیتی دارد و حسن تعلیم و آفاق زدهایس فنون مکانیکی

و قدرت و علم در اعظم یونیورسیتی ایالتی کالیفورینا است

از برای تحصیل علم قدر است بحقیقت یونیورسیتی ایالتی اینچنین نظر

حقوق در لدم است بعضی جوانان نابل ایران برای تحصیل این علم

شرفین بدینجا آمد چنانچه سال میگردد که از چایان غلبه بجهت

تحصیل بعد می آیند و آنان زبان از سه هزار چایان است

چایان و مدرس ایجاد در کمال کوشش و سعی و جهد و جهد تحصیل

مشغولند مریضی زیاد است ایالات کیر در این بلده کثیر است

و علت آن خوش آب هوا و طهارت و نظافت و سیاست

و طرق است مریضی بزرگت کورچه اسپینال مشهور است

و دکتر کورچه که از اطهای معروف بلد و حکیمای مریضی است

از بهائیان است اوقات توقف در سنندج نیست که برود

بدان مریضخانه بزرگ و عیالات و معالجات طبی میدیدم و مگر بر ما

دکتر محبت نمود از استاف عظیم ۶ متر آن بگانه داشتند

بسیار اریکت انالی که در این اوقات جلب نظر کاغذ اطلالی

روپ و امریکت را نمود و آنگوش اطهای ایران بزرگ است

مگر گویم بر شهر کبر در سنه ۱۹۰۵ اوقاتیکه ناسند در شیکاگو تحصیل طب  
مشغول بودم زلزله شدیدی ساندنسکو را بکلی خراب کرد و بنا بر  
یک شبانه روز این محمود را بار بار زمین بگسار نمود هر زمان که  
بندگان خدا بفرمانند و در جو اند دنیا درج شد که تاکنون چنین  
عظمی در انجمنات وقوع نیافته بود لذا وقتی که ما امروز چهار سال سکونت  
در پرس شهرت را ملاحظه میکنیم هیچ کجای آن نمی نمایم که چند سال قبل این  
بنیان بیادفت بلکه شهرت آن عظیم و اتم و قشنگتر شهرت آن است  
عجب سعی و همت و کوشش دارند این انالی امریکت و چه قدر در اینجا  
اسباب قنوج و خراج آسایش و آبادانی در راه مردم انگلی و قنوت  
اظهار میدارند که در فاصله چهار سال شهری اعظم و صد پند مرتبه  
لذ طهران بنامونه و تمام کرد اند این است معنی همت و سعی امریکت  
سپاه در اسو طه هر دنیا حال قدری از مراتب دین داری و مسکن  
روحانی و مطابرهائی سخن دارند انالی این صفحات بسیار طالب  
روحانیات هستند دوست کیشها و اوام کلسها خسته  
و پزمرده شده اند الهی حقیقت و هدایت بگری میگردد بعلوه  
بر کمال متعدد روحانی چیدین بکس بزرگ شومی در کلوب کالیفورنی  
که اعظم دارالاجتماع علماء و فقهی ساندنسکو باشد انعقاد یافت  
و چون در جو اند در زمانه جات اعلام شد بود اجتماع زیاد است  
تجدیدیکه کسی خالی نمی ماند و حتی جای ایستادن هم پیدا نمیشد



جناب مستنورترین جناب کبکی از آئین بهائیان امریکت که حال  
در شهر لاس آنجلس از ایالت کالیفورنی با کار خود در بشهر امرانه مشغول است

بخدمت باختره اول را پورت برینجی نه تحت طهران کرباداس  
زستانه و اینست در این صفحات درج نمایم  
هو الله تعالی شاه انعطافه و انفتاد

این مجاز و حدت عالم انسانی و خادمان نبوع بشر و وطن که قطعه  
ارض را در حکم یکت و وطن بلکه بزرگ یکت خانه و اینست در این  
مختلفه را در حکم اعضا و اجزای یکت کاشانه میدانیم که در زمانی  
در این اندیشه و خیال بودیم که با قدم استقامت و قنوت بخصات  
بهر رسید و طریقه که ممکن است از راه ثواب کفالت و طلب  
مروضات مصدر خدستی و نشانی اثری گویم که فایده و نتیجه آن بکلی  
و اقامت از فقر و فنی و ضعیف و قوی عرب و عجم ترکش و بیچیکت  
از یکت و امریکت راجع شود برای بنی بدن مقصود و مقصد  
چون علمی صرف تحصیل علوم طبیعی و طبیعه نموده ام موفق شده و دیدم  
ایجاد برینجی نه را در نظر رقم و حسابات عدیده جابان دکتر محمد خاست  
و دکتر ابراهیم خان و این بکلی دکتر عطا الله این قضیه را مطرح مذاکره  
و مشاوری قرار دادیم در این بین ثبات در وجود و خا هر روحانی  
عربی خودمان دکتر سودی را شنیدیم و وجود مقدسه محترم انور

را انجمن مردم و حرکت و عضویت است از ایها را در تالیس برینجی  
موجب ترقی و سعادت خود برینجی نه دانسته در و دست را الهان  
بفعل تنگ گرفته و از تأییدات غیبیه دانستم و مقصد خود را با توره  
مطهره عرضه داشتیم و عضویت و سعادت این امر است و ما نمودیم  
و ان خواهر روحانی محترمه بکس قبول این خادمان را قریب مرت و همت  
و انسان فرمودند عاقبت با اتفاق آراء از کمان لایحه بانهاست  
خلوص و اتحاد و عرضی ثابت در اسخ و طلب تائید و توفیق از دست  
اندیس رب السموات و الارض معظم بر تالیس برینجی نه گشته اند  
قره شریکی حجه سنه ۱۳۲۷ بهترین نقطه و محل طهران که ثابت بدین  
مقصود در مرکزیت بشهر دلد در خیابان لاله زار دوساله به مبلغ گران  
اجاره نمودیم ولی با رعایت و ملاحظه مرکزیت و چون نقطه و محل چون  
از جهت ساختمان و بنا و تعمیر و نظافت شایسته در درخور مقصود بود  
بمبلغ زیادتی از کسیه خودمان مقدوره بر مال الاجاره خرج تعمیر و آبادی  
محل نمودیم تا آنکه صورتی پیدا کرد قابل محل منظور گردید برای استوار  
و دوام در محل چهار سال دیگر بر مدت اجاره خانه افزودیم و شروع  
بعملیات و تدارکات تهیه اساسیه و کلمات داد و است خواجه خدیجه  
نمودیم و بقدر مقدور حاضر کردن چندی نگذشت که فراغت از تحصیل  
و اجاره مرضی و حرکت بهت ایران بگانه دولت در چند و براد برینجی

و محترم روحانی و علمی خود یعنی جناب دکتر بنس خان را شنیدیم  
 و بزبان تشنای نایل گشته چشم بردارم را برود روشن نمودیم  
 بر حد و ضمیر بودیم تحت نظرش عرض رفتن با بیایمانی انگش  
 و فرج آیز حسن تلقی فرمود از همه نوع سعادت و سعادت  
 و شرکت و عضویت دیگر اعضاء را برود و مخطوط نمودند  
 فرکاره جسم با نهایت موافقت و اتحاد و حرارت بیکل غایت  
 را پروردی کرد و همه روزه در صد ترقی و فراهم نمودن اسباب  
 بود و بقدر امکان کوشش و تلاش نمودیم ازین نظامنا  
 دادیم و از این برین یعنی تحت نام نهادیم و برای استقامت و استوار  
 و ثبات و دوام بنام و شرافت و سعادت اعضاء و تأیید و تکرار  
 و عظمت این مقصد مقدس و ایضا بابت استقامت  
 و مولانا و بنا حضرت عبدالبهاء ارواحنا لعلها فی القلوب  
 کردیم و در جهان نمودیم که مان اول این نظامنا بنام مبارک شروع  
 شود و در این بنای خیریه کرد این است که چهار این  
 عبادت است آتشش مقبول واقع شد و بلوغ این امر  
 این خادمان را قرین و مختار و مباحات فرمودند قول و تعالی  
 شد مان اول چون در این قرن شاهد وحدت  
 عالم انسانی در نهایت طاعت و صیانت در این عالم جلوه  
 نمود لهذا این برین یعنی بجهت بیماریان نوع انسان از جمیع  
 ادیان تأیید شد و هر مریضی که وارد این بیمارخانه گردد محترم  
 و امید چنان است که شفای الهی بهم دهد و بگریزد  
 بر عهده برادران و خواهران شرقی و غربی این خادمان محقق و پوشید  
 نماید که آن نیت و مقصد مقدس را که بیت است بجهت  
 ارتباط شرق و غرب از نظر گرفته و نهایت اهتمام دکوشش  
 را در تحصیل و اصل شدن بدان مقام میفرمایند این خادمان  
 نیز بقدر وسع و طاققت خود شروع از آنرا تعقیب نمودند این  
 و بقدر امکان سیکوشیم توفیق داشته باشیم اجزاء و انجام این مقصد  
 را از دست است آتش عبدالبهاء میطلبیم و بریکت که برادر است  
 و خواهران ادر و نزدیک که بخوانند بطرف طبع سعادت  
 و کمالی فرمایند یا عضویت افتخاری این بیمارخانه را قبول نمایند  
 موجب سرور قلب و نشکر دانان این خادمان خواهد بود  
 بلکه معادین و معاونات خود را در ترقیات روحانی و جسمی  
 و جزای مکتوبی با خود شکر یکت و سپاس بر هر مورد مقدم بر خود

بجز با خیر و خاطر فرزندان مقدمه کشف و عیان است که چندین مریض  
 در ایران خاصه در شهر طهران داراست از امر کائناتی و دولتی در ایس و غیره  
 الی بیمارخانه تحت نظر ما مریضانه است که بجهت درنگ و اتفاق این مقصد  
 بجهت بدین معاونت و کمک و همراهی دولت باقت تأیید شد  
 نیت و مقصد اصلی اقامت و دستگیری و پرستاری و خدمت بقدر انواع  
 است ولی در موقوفه کلیت و گنجه استامبولی بوسیله از انظار مستطین  
 وجهی گرفته شد و میشود و نیز قزاقای رضائی که در مریضانه خود بمانند بمانند قبول  
 بشوند ولی از این بجهت اعدال وجهی دریافت شده میشود در اینست  
 کلیت چنانچه رضای کلیت مریضانه و چه از رضای متوقف و چه از رضای  
 جراحی که کلیت است نموده ایم و جوی رسیدن تا چون ترقی و عظمت این اساس  
 و نظریه است عایدات را بمعرف ترقیات و افزایش اساسه و کمال  
 نواقص رسانند و تاکنون پانزده تخت خواب با تمام لوازم آن حاضر  
 نموده ایم و بریکت از دکتران آلات و ادوات جراحی مخصوص کلیت خود را  
 در اطاق مخصوص جعل مریضانه حاضر کرد که در موقع حاجت و ضرورت بکار  
 آید و علاوه بر آنچه همیشه اطبای مریضانه بعنوان اسباب شرکتی دارند  
 تمام عایدات مریضانه الی کنون بمعرف ترقی و کمال آن رسیدن میشود  
 یعنی آن گفت که اضیاجات و نواقص بسیار داریم از قبیل اسباب آلات  
 جراحی و تختهای آهنی مخصوص بعمیقات و در اطاقات و ادوات مخصوص  
 بردارخانه مریضانه و غیره باهم این نواقص و ملاحظات صرفه جویی  
 مصلحتی که محل و فرض اطبای مریضانه است که از بعد از آنرا باید تأیید  
 شود  
 نکته تهنی را که مریضانه اعلان نمود بجهت از بدو اسباب بجهت تزیین  
 و اطبای محترم شهر خردان که بریکت که از اطبای مریضانه تهنی داشته باشند  
 که در تشخیص مریضانه باشند با مریض خود بجهت مریضانه حاضر شد  
 با حضور نیت اطبای تشخیص مرض و دستور العمل کافی تحصیل نمود بجهت  
 نمایند یا اگر مریض جراحی داشته باشند که اسباب ملکیه آن در خارج  
 فراهم نباشد یا به تنهایی از عهد علیته برنمایند مریض خود را در مریضانه  
 حاضر نمود در صورتیکه خود عامل شوند اطبای مریضانه بجهت نیت  
 همراهی خواهند نمود اگر بخواهند که مریضانه عمل کند طبیب مخصوص  
 را با کمال توقیر و احترام بمعاضدت می پذیرند صورت مختصر از مریضانه  
 در اینست مریضانه آمد و خوابید و اجزای علیته شدن اند برای  
 الگای آن در استان محترم عرض میسازیم که موجب بعیرت و اطلاع  
 عموم باد است

سواد بعضی بیانات اخیر حضرت عبدالبها در باب سفر مبارک بیلا  
 ابریکت :-  
 ای دفتر کتبت نامه شما رسید و فرست گراید مرابا ریکاد دعوت  
 کون بودی که در آن خطه و بار گلهای مغفرت خوش بچی موجود اینچنین  
 خاور و خسیج بسیار ولی عبدالبها، باید نظر بخا رعیتان نماید کفین خاطر  
 گلهایان کشور شما بدین شبیه بسیار بدیع است اگر باقیانی بنمایند  
 بیایع دعوت کند اول جمیع گلهاراد در نهایت جلو و طراوت و لطافت  
 آرد انوقت دعوت کند و از این گذشته در میان گلهای اختلاف  
 پس دهان تا آنقدر در میان گلهای اختلاف حاصل شود تا استعداد  
 حضور در بیلا، حاصل کرد من نهایت استیانت بملاقات  
 دارم ولی ناخره ولی که تحریر کردید حاصل نکرد سفرین با نصیحت  
 مشکل است زیرا بنظر من باشد حال محمد خدا را که بود استراحت است  
 متحد و تنقید از اینجست بسیار دردم امید دارم که جمیع باران و بار  
 سخن بایکدی گرفت جویند تا عبدالبها بدون کفین از شرق  
 بغرب سفر نماید و امید چنین است که این الفت حصول پذیرد  
 در لوح دیگر میفرمایند :- اگر ابریکت استعداد حضور عبدالبها نماید  
 من با شما آیم و جمیع مشکلات حل شود ای بخت کتبت آرزوی  
 حضور من با ریکان بودی استعداد استحقاق شرط  
 در لوح دیگر میفرمایند :- و اما نطقه آدن من با ریکان شرط شرطی است  
 که با ریکان نوشته ام اگر آن شرط حاصل گردد یعنی است که حاضر شوم

بخدمت

از اخبار است این لرض آنکه در تائید و تقیسات مرکز شیان اجبای همدان  
 موفق بر تائیس مدسه تائید گردیدند و با همگان نزدی نونهال است  
 بهائی و فرزانی و کیمیی اختیار که هنوز تصدیق از نکرده اند بلا تقاضات قبول  
 بحدت ترقیات فوق العاد نمود که بافت اتقا از مردم بهائیان  
 گردید و لازم بود مختصری در وضع مختصر مبارک که عرض شود در جلالدم نزدیک  
 بخدمت با خرد درج نماید این کفین که می از نمایندگان ملت بهائیان همدان  
 و از خادمان و چاکران عموم است استری نماید که بعد باب مکاتبت  
 که سب اشخاص و رابطین است باز کرده چه که اجبای همدان از زیارت  
 مرقدات بخدمت با خرد از انرازه سرور و بگذوب میشوند و از دیر چریس کرده  
 سبک دست از دست رار الله قدم میزند درج این چند کلمه ملا در خواست  
 دارم شاید بتوفیقات الهی این مختصر اظهار تیه اساس تشویق و تحویص اعظام  
 مدارس و تائیس اینخبریه گردد از جمله تائیدات ربانی و احسانت و احسان  
 اجبای همدان را بر تائیس مدسه تائید نمود و موفق در اثر است و انچه تیه  
 در این قلیل مدت نتایج عظیمه و شرف نامر بدیع گشته و انچه در انصاف  
 معنی قوت و قدرت این کارخانه آدم ساری را بر تمام اجبای همدان  
 کتوف و محوس داشته چنانچه جذبی قبل بحضور جمیع از معارف بهائیان  
 و عالمان از نوسای مدارس اسلامی و غیر از قبیل رئیس مدرسه  
 ایانس کفین اتخان شاگردان معتقد و مصداق عند الله تعالی میگرد  
 حقار مجلس گشت و تیه انچه نمایان می باشد در استان حق با جمیع از  
 اتخان شرف علم و انچه شرف و سرافرازی شدند و صاحبان اولاد مکی شرف  
 روحانی شرف شدند و بنجات وجدانی نعم گشتند و جلا داشت که کوشین  
 و عقین این مدسه تائید که من جانب الله توبه و موفق بوده باشند  
 معنی اتقا در شرافت خدمت ابراهیم سب این بهین اسباب ظاهری  
 برین دهمیداد دارند واقعا اقدام بهیست علیه در ایران چنین فایده  
 مستحی به بخشیدن بود و استعداد اطفال در ایران عمومآ در همدان خصوصآ  
 باین نزدی ظهور بروز کرده بود حدت بش خدا مدبر انراست که اجبای  
 همدان را بهین نعم دوستسین عقین را بهین شرفی شرف فرمود  
 از جمله دوستسین کفین روحانی و کفین تائید عقین اقا سید عبدیه میانی عظیم  
 در دس طری ایس و اقای دکتر شیخ خان معلم در دس فرانسه و انچه  
 معلم فلسفی و انچه از اصنام معلم ابتدائی و نیز عقین قبری دشان هم برزاد

چاپ کتاب جدید الواح در قاهره مصر

مذاتی است در مصر کتابی از الواح علیه حضرت سولی الوری عبدالبها  
 بطبع رسید و انتشار یافته است بدین آن کتاب بدون جلد  
 و مصروف سی غرضش صانع مصری است هر کس میل بدست آوردن  
 این کتاب نفیس است به چاپ آقای تاسید اسد اسد اسد  
 سعید مرقوم نمود دریافت خواهد نمود

کتوب سفید از اعضاء کفین نس همدان

پس از حد استائیس حضرت عبدالبها معروض میدارد که اینبیانات  
 اعضاء کفین نس همدان همواره ترصد زیارت نامه های مقدسه  
 بخدمت خرتون و از کلمات بیشترش عالمها سرور موجود خصوصآ از شهادت  
 بخدمت که حاکی بود از اجیدات سفر حضرت عبدالبها بعد که واقعات بسیار  
 اجبای الهی تلاوتش باعث سرور و بخت مانمایه گردید و کرد انعموا از دعا  
 حضرت کبریا طلب تائید تمام دوام جویند مقدسه را نموده و امید دارم  
 و دعای این فقراء معزوم با حاجت باشد

دوسته باهی است که تعقیب جات بسیار از جمیع اطراف شرق رسیده  
 بخدمت خرتون بدینجانه هنوز موفق به جواب انها نگردید بعضی از یاران  
 از ایران در دست مرقوم فرمودند که این چریس را دریافت نمی نمایند  
 و سب گران کل شده است بخدمت خرتون در جواب و تونزیم گردید  
 و اگر دوستان دریافت نمی نمایند تقییر ادب است در دست  
 و ایران است این اداره انچه با کمال به انجام تکالیف مکاتبت نمود